



آموزش خلاق کودک محور

ضرورت ایجاد تحول در خانواده و مقابله با یک نواختی حاکم بر آن

نویسنده: محسن ایمانی

جست و جو و آماده سازی:

مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان



مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان





در بخش نخست این مقاله که در شماره قبل از نظر گرامی‌تان گذشت به بررسی علل بروز یک‌نواختی در خانواده پرداختیم. اینک نکاتی را بیان می‌کنیم که با عنایت به آن‌ها می‌توان نسبت به افزایش تحرک در خانواده و بر طرف کردن یک‌نواختی حاکم بر آن اقدام کرد.

۱- درمان افسردگی

هنگامی که علت یک نواختی در خانواده، ابتلای افراد آن به افسردگی باشد، می‌توان با درمان افسردگی، یک‌نواختی را از فضای خانه دور کرد. شایان ذکر است که مکاتب مختلف روان‌شناسی دیدگاه‌های متفاوتی را در خصوص درمان افسردگی ارائه کرده‌اند و کار درمانگری باید توسط روان‌شناسان و در افسردگی‌های شدید، توسط روان‌پزشکان انجام شود. به طور متوسط ۱۰ درصد از کسانی که به روان‌پزشکان، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی مراجعه می‌کنند دارای افسردگی‌های یک‌قطبی‌اند ۱ و روان‌شناسان با استفاده از دیدگاه‌های مختلفی نظیر رفتاردرمانی، شناخت‌درمانی و روان‌درمانی، به درمان مبتلایان می‌پردازند و روان‌پزشکان از دارو یا الکتروشوک (تکان برقی) و نظایر آن‌ها برای درمان بیماران بهره می‌گیرند. به‌رحال برای درمان افراد افسرده باید به افراد متخصص مراجعه کرد و پس از درمان آن‌ها می‌توان به تغییر فضای خانه و زدودن یک‌نواختی از آن امید بست، زیرا عادی شدن فعالیت‌ها، از سرگیری روابط زناشویی، تمایل به برقراری ارتباط‌های اجتماعی با دیگران، به درآمدن از تنهایی، رفع خستگی‌ها و از بین رفتن حالت بی‌تصمیمی، همه به منزله تغییرات مثبتی‌اند که خانواده را از رکود و یک‌نواختی به در می‌آورند، و عدم درمان فرد افسرده، به معنای تداوم بخشیدن به یک‌نواختی در خانواده است. البته برای درمان افسردگی‌های فصلی نوردرمانی را توصیه کرده‌اند و بر این اساس باید برای افرادی که با فرا رسیدن پاییز افسرده می‌شوند، در بخشی از منزل فضایی سبز به همراه نوری که بهار را تداعی می‌کند تدارک دید و بدین ترتیب می‌توان به افراد مبتلا به افسردگی فصلی کمک نمود و خانه را طراوتی تازه بخشید تا از یک‌نواختی به دور باشد.

۲- درمان اضطراب

با درمان اضطراب می‌توان به فرایند یک‌نواختی پایان داد. در درمان اضطراب نیز از شیوه‌های مختلفی بهره می‌گیرند، که از میان آن‌ها می‌توان به روش‌های درمان شناختی، رفتاردرمانی، روان‌درمانی و نیز دارودرمانی اشاره کرد که بیش‌تر در درمان اضطراب‌های مزمن از داروها بهره می‌گیرند. همه این درمان‌ها شیوه‌های تخصصی خود را دارند که برای بهره گرفتن از آن‌ها باید به روان‌شناسان و روان‌پزشکان مراجعه کرد. درمان اضطراب، باعث می‌شود که زن یا مرد در اثر تأخیر در ورود همسر، مثل گذشته احساس نگرانی و اعتراض نداشته باشد و فضای خانواده همچون گذشته دست‌خوش حالت‌های هیجانی ناشی از اضطراب نگردد، یا در خانه‌ای که فرد بیمار و مضطرب مدام از تخدیر خواب استفاده می‌کرد و رکود و یک‌نواختی بر خانه سایه می‌افکند، اکنون با درمان اضطراب، دیگر کم‌تر شاهد بروز چنین رفتارهایی خواهیم بود.

۳- درمان اعتیاد

نمی‌توان یک‌نواختی را از خانواده زدود، مگر آن که نسبت به درمان افراد معتاد موجود در آن اقدام کرد. البته هرچه قدرت ماده مخدر بیش‌تر باشد، درمان آن دشوارتر است و روان‌پرستاری آن مشکل‌تر می‌باشد. برخی فقط بیمار را به نزد روان‌پزشک می‌برند و صرفاً به درمان دارویی او اکتفا می‌کنند، اما باید دانست که بیمار را باید تا پایان دوره درمان کامل یاری کرد و هم‌زمان با درمان دارویی، باید از کمک‌های یک روان‌شناس نیز بهره جست. پس اگر فردی به علت افسردگی به اعتیاد پناه برده است، باید برای درمان اعتیاد او افسردگی وی را درمان کرد و اگر افسردگی او درمان نشود، پیوسته بیم آن می‌رود که پس از ترک اعتیاد دوباره به سوی آن بازگشت نماید.

هم‌چنین با توجه به این که خودشیفتگی ۲ یکی از علت‌های پدیدآیی اعتیاد است، می‌توان با اتخاذ رویه‌های مناسب تربیتی نظیر برقراری ارتباط عاطفی عادلانه در بین فرزندان و عدم تبعیض در توزیع اشیاء در بین کودکان، از پدید آمدن شخصیت‌های خودشیفته در آینده کاست.

۴- درمان وسواس بی‌اختیاری

درمان وسواس‌های فکری و عملی نیز کار یک روان‌شناس و یک روان‌پزشک است. اگرچه افکار وسواسی به صورت عملی در نمی‌آیند، ولی به صورت منبعی عذاب‌دهنده در فرد باقی می‌مانند ۳، مانند وسواس‌های کودک‌کشی که به کشتن نوزاد یا کودکی که قبل از دوره نوجوانی به سر می‌برد، نسبت داده، می‌شود. ۴. روان‌شناسان با شناخت تعارضات درونی فرد و نیز با استفاده از تکنیک‌هایی نظیر غرقه‌سازی ۵ و روان‌پزشکان با استفاده از داروها به درمان وسواس‌های عملی (نظیر شست و شوهای مکرر و نظایر آن) می‌پردازند و برای درمان وسواس‌های فکری از روش توقف فکر ۶ و دیگر تکنیک‌ها بهره می‌گیرند. به‌هرحال با درمان وسواس می‌توان به ایجاد تحول و پویایی در محیط خانه پرداخت.

۵- انعطاف‌پذیری

خانم ستیر ۷ که یکی از درمانگران سنتی در خانواده‌درمانی بوده و خانواده‌ها را به دو نوع بالنده و آشفته تقسیم کرده است، معتقد است که قوانین ثابت و غیرقابل‌تغییر در خانواده آشفته مشکل‌آفرین است و درمانگری‌های خانواده باید برای شناخت و تغییر این قوانین اقدام نماید تا خانواده از حالت آشفته‌گی به درآید و به سوی بالندگی پیش رود. به‌هرحال در مورد حل چنین مشکلی می‌توان از درمانگران خانواده بهره جست. شناخت درمانی نیز می‌تواند برای ایجاد تغییر در افکار اتوماتیک و جایگزین کردن افکار منطقی مورد استفاده قرار بگیرد. البته برخی بر این باورند که با افزایش سن از میزان انعطاف‌پذیری انسان‌ها کاسته می‌شود، ولی برخی قائل‌اند که اگر فردی منعطف باشد و توانایی تغییر سریع را داشته باشد، به تغییر کردن در جریان سال‌های آخر زندگی ادامه می‌دهد. یعنی در سنین بالا نیز چنین حالتی را دارا خواهد بود. ۸.





بیان پی‌آمدهای ناشی از عدم انعطاف در فضای خانه-که خانه را همچون زندانی غیرقابل گریز می‌سازد-توسط درمانگرها، می‌تواند زمینه مناسبی برای ایجاد انعطاف پدید آورد. تقویت رفتارهایی که دست‌خوش تغییر قرار می‌گیرند نیز می‌تواند به گسترش انعطاف‌پذیری فرد کمک نماید. گاه انعطاف‌پذیری یکی از دو زوج، عکس عملی در مقابل انعطاف‌ناپذیری همسر خود می‌باشد که در این حالت شناخت فردی که انعطاف‌ناپذیری عملی وی محسوب می‌شود و با تلاش‌هایی که برای درمان او صورت می‌گیرد، راه درمان فردی را فراهم می‌کند که انعطاف‌ناپذیری رفتار عکس عملی اوست. البته گردش شغلی به‌هنگام در ادارات نیز گاه به حل مشکل انعطاف‌ناپذیری در محیط خانه کمک کرده است.

وجود لجبازی‌ها نیز که عامل ایجاد رفتارهای غیرمنعطف است، علت استمرار رفتارهای غیرمنعطف در خانواده می‌باشد که در این‌گونه موارد هم شناخت علل اصلی دعوای خانوادگی امری مهم است و ذکر این جمله که "من از لج تو چنین می‌کنم" نیز مشکل‌آفرین می‌باشد. اگر زنی که شوهرش دارای رفتارهای غیرمنطقی می‌باشد، تغییراتی در رفتار خود پدید آورد، گاه به تبع تغییرات ایجاد شده، همسرش نیز عکس‌العمل‌های متفاوتی که متناسب با رفتارهای همسر باشد، ابراز می‌دارد. استفاده از روش‌های استدلالی برای ضرورت تغییر رفتارها و ایجاد بینش در فرد نیز در مواردی عامل تغییر و دگرگونی در رفتارها بوده است. به‌رحال با ایجاد تغییرات مناسب، می‌توان خانواده را به سوی تحول و پویایی سوق داد.

۶- ایجاد رشد و تحول

گفته شد که زندگانی بدون رشد ملال‌آور است و یک‌نواختی حاکم بر آن دردسرها آفرین. پس باید برای رشد خانواده برنامه‌ای داشته باشیم. یکی از عواملی که موجب رشد و تعالی خانواده می‌شود، افزایش سطوح تحصیلی اعضای خانواده است. تحصیلات زوجین از اهمیت زیادی برخوردار است لذا زن و شوهری که بعد از ازدواج به رشد علمی بیش‌تری دست یافته باشند، بر میزان رضایت آن‌ها از یکدیگر افزوده می‌گردد. مطالعه کردن نیز بر میزان آگاهی‌های زوجین می‌افزاید و آن‌ها همواره با نوآوری‌ها و تحولات علمی و فناوری آشنا شده، پیوسته حیات نوینی را تجربه می‌کنند.

نقل می‌کنند که عارفی بر بالای منبر رفته بود تا سخن بگوید. جمعیت زیاد بود و جایی برای نشستن افراد تازه‌وارد نبود. یکی از تازه‌واردان بانگ برآورد که خدای رحمت کند پدر و مادر کسی را که برخیزد و گامی به جلو نهد. مردم برخاستند و چنین کردند. آن‌گاه مرد عارف گفت: بله همه حرف همین بود که پیوسته گامی به جلو بگذارید، و از منبر پایین آمد. یعنی بکوشید هر روز در مسائل معنوی، اخلاقی، علمی، فرهنگی و نظایر آن گامی به جلو بگذارید. هم‌چنین کمک کردن به همسر برای ایجاد جا به جایی‌ها در هنگام سال نو و در صورت امکان خرید برخی اشیای تازه و ضروری برای منزل و تغییر رنگ آن می‌تواند زمینه مناسب برای ایجاد تحول در خانه را فراهم کند.

البته برخی نیز مانع رشد استعدادهای همسر خود شده‌اند و او را از رشد و شکوفایی باز داشته‌اند و این امر نیز موجب رکود در خانه شده است. پس اگر به مضرات عدم رشد همسر واقف گردیم فرصت‌های بهتری برای رشد و



شکوفایی استعداد‌های او در اختیارش قرار می‌دهیم و بدین ترتیب به ایجاد تحول و پویایی در خانواده کمک می‌کنیم.

۷- سخن گفتن در خانه و شکستن سکوت

زن‌ها کلامی‌اند و علاقه دارند که وقتی شوهر آن‌ها به منزل می‌آید، با آن‌ها گفت‌وگویی داشته باشد. زنان از مردان ساکت و خموش، دل خوشی ندارند. پس اگر مردی چنین حالتی دارد، باید با درک ویژگی‌های روان‌شناختی زنان، برای گفت‌وگو با همسر خویش پیش‌قدم شود، اگر روند حاکم بر خانواده چنان است که پس از گفت‌وگویی مختصر، جدال در می‌گیرد و طرفین نیز قادر به کنترل آن نیستند، خوب است که از یک مشاور خانواده کمک بگیرند. اما اگر چنین حالتی وجود ندارد و امکان سخن گفتن هست، باید سخن را از جایی آغاز کرد که مورد علاقه همسر باشد و به او نیز فرصت اظهار نظر داد تا او مشتاق سخن گفتن باشد و بدین ترتیب گفت‌وگو پدید می‌آید. برخی به همسر خود می‌گویند بیا تا با هم صحبت بکنیم، اما وقتی که او می‌آید یکسره خود سخن می‌گویند و اجازه گفتار به همسر خود نمی‌دهند. این امر از تمایل همسر به گفت‌وگوی مجدد می‌کاهد. البته بعضی‌ها هم سخن تکراری می‌گویند که برای همسرشان ملال‌آور شده است و او دیگر میلی به گفت‌وگوی مجدد ندارد و برخی دیگر نیز در گفت‌وگوها زخم زبان می‌زنند که آن هم از میل و رغبت به گفت‌وگو می‌کاهد. تبسم داشتن در هنگام گفت‌وگو با همسر موجب دوام گفت‌وگوها می‌گردد و در هم کشیدن سگرمه‌ها مانع ایجاد جوی برای برقراری گفت‌وگوهاست. پس آشنا شدن با نحوه گفت‌وگو کردن از اهم ضروریات است. با گفت‌وگوی خوب و به‌موقع می‌توان زمینه رشد و تحول را در خانه پدید آورد. وقتی که پیام‌ها نو و پرمحتوا باشد، طرفین به رشد و بالندگی یکدیگر کمک مؤثری می‌کنند. آن‌گاه که یکی صحبت می‌کند باید دیگری سکوت کند و به قول ماریا مونته سوری درس سکوت را باید در کوکستان آموخت. پس با خوب شنیدن می‌توانیم تسکین‌دهنده آلام همسر خود باشیم، چرا که او با بیان درد دل‌ها آرام می‌گیرد، غم‌هایش بر هم انباشته نمی‌شود و بدین ترتیب زمینه بروز افسردگی‌ها کاهش می‌یابد. پس درس سکوت به‌موقع و سخن گفتن به‌هنگام را باید فرا گرفت که بر عکس عمل کردن نشانه سبکی عقل می‌باشد. به قول سعدی: "دو چیز طیره عقل است، دم فرو بستن به‌وقت گفتن و گفتن به‌وقت خاموشی." به‌رحال پایان گفت‌وگو با همسر نیز باید خوب و جالب و با سخن خوشی همراه باشد. این امر او را به گفت‌وگوی دوباره تشویق می‌کند. بدین ترتیب در هم شکستن سکوت در خانه با سخنانی نغز و سازنده عامل مهمی در مقابله با یک‌نواختی خانواده به حساب می‌آید. هم‌چنین لازم است که سکوت خانه با راز و نیاز به گفت‌وگو با خدای تعالی شکسته شود. چون قرآن بخوانید، خدا با شما سخن می‌گوید و چون نماز بخوانید، شما با خدا سخن می‌گویید، و این دو عمل صالح رنگ یک‌نواختی را از خانه شما می‌زداید.

۸- دید و بازدیدهای فAMILI

یکی از عواملی که موجب ایجاد تحول در محیط خانه می‌شود رفتن به خانه اقوام و بستگان است که از آن می‌توان به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد تنوع در محیط خانه بهره جست. حضرت امام سجاد (ع) می‌فرماید: "صله

رحم کنید که خداوند بر عمر شما می‌افزاید." و مرحوم علامه طباطبایی (ره) در توضیح کلام از شمسند سید الساجدین می‌گوید: مشیت الهی چنین است. می‌توانید صله رحم کنید و نتیجه آن را ببینید.

خانم ستیر یکی دیگر از عواملی را که خانواده آشفته را به خانواده بالنده تبدیل می‌کند، "پیوند با اجتماع" ۱۰ می‌نامد و معتقد است که خانواده‌های آشفته فاقد چنین ارتباط و پیوندهایی است. لذا درمانگران خانواده برای تبدیل خانواده آشفته به خانواده بالنده، باید زمینه برقراری ارتباط خانواده را با اقوام و فامیل پدید آورند. خانواده بالنده پویا و پرتحرک بوده، دارای نشاط و سرزندگی است.

حسن دیگر دید و باز دیده‌های فامیلی آن است که سلامت جسمانی و روانی را تأمین می‌کند، زیرا معمولاً خانم‌ها پس از چند روز پیاپی در خانه ماندن به همسرشان می‌گویند: دل ما گرفته است، ما را به خانه فلان فامیل ببر، و چون به خانه قوم و خویش خود می‌روند آن‌ها نیز معمولاً احساس مسرت می‌کنند و می‌گویند: خوب شد که شما آمدید، دل ما هم گرفته بود. لذا گفته‌اند: "چه خوش بود که برآید ز یک کرشمه دو کار." اقوام و بستگان چون با یکدیگر می‌نشینند و به قول قدما به اختلاط می‌پردازند، شور و نشاطی پیدا می‌کنند، چون غم دل را با یکدیگر باز می‌گویند به پالایش روانی دست می‌یابند و به آرامش نایل می‌گردند، آن‌گاه که به یکدیگر امید می‌دهند، خوشبختی و سلامت روانی را برای یکدیگر به ارمغان می‌آورند و چون سلامت روانی آنان تأمین می‌گردد، سلامت جسمی آن‌ها نیز تضمین می‌شود، زیرا با دست یافتن به تعادل روانی، سیستم ایمنی و دفاعی بدن از کارایی بهتری برخوردار می‌گردد و سلول‌های قاتل طبیعی ۱۱ از کارآمدی خوبی برخوردار شده، توان مقابله بهتری با عناصر مزاحم و سلول‌های سرطانی دارند و بدین ترتیب سلامت جسمانی فرد نیز تأمین شده، احتمال بروز بیماری در وی کاهش می‌یابد.

آکرم‌ن که او را پدر خانواده‌درمانی می‌نامند، معتقد است که خانواده‌ها از طریق شرکت در مراسم، مناسک، جشن‌ها و سوگواری‌ها به سلامت روانی خود کمک می‌کنند و خود را التیام می‌بخشند که از آن تحت عنوان شفابخشندگی خانواده قدمتی در حد تاریخ حیات بشر دارد. ۱۴

از مجموع نکاتی که ذکر شد، اهمیت این موضوع روشن می‌شود که دید و بازدید خانوادگی عامل ایجاد سلامت، تحول و پویایی در خانواده است. با دریافتن اهمیت این امر نباید منع و محدودیتی برای شرکت در میهمانی‌های سالم و سازنده فراهم کرد، بلکه باید تسهیلات لازم را برای برقراری و توسعه ارتباط‌های فامیلی پدید آورد.

۹- سفر کردن

یکی از اموری که موجب ایجاد تحول و پویایی در خانواده می‌شود، سفر کردن است. سفرها می‌تواند مادی و معنوی یا درونی و بیرونی باشد. همه انواع سفر لازم و ضروری است و موجب کامیابی آدمی می‌گردد. سعدی می‌فرماید: "نه سعدی سفر کرد تا کام یافت؟" و دست یافتن به کامیابی‌ها می‌تواند رمز تحول و پویایی در خانواده‌ها باشد.



قرآن به طور فراوان توصیه به سفر کردن دارد و می‌فرماید:

"قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین"

"۱۵. به گوی مردم را که بر روی زمین سیر کنند تا ببینند که فرجام تکذیب کنندگان ما چه شد. پیامبر (ص) فرمود: "سافرو و تصحوا." مسافرت نمایید تا سلامت بمانید. امروزه نیز سازمان‌های جهانگردی در سراسر دنیا به مسافران کمک می‌کنند تا آن‌ها بتوانند به مکان‌های دیدنی و مناطق خوش آب و هوا سفر کنند و افراد متمکن نیز بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمد خویش را صرف هزینه سفر می‌کنند تا به قول ارسطو به آسایش دست یابند. افرادی نیز که از تمکن مالی برخوردار نیستند، می‌توانند برخی سفرهای کم‌هزینه را تدارک ببینند که سفر به بیرون از شهر با استفاده از وسایل نقلیه عمومی کم‌هزینه از آن جمله است. گاه می‌توان برخی از خورد و خوراکی‌های درون منزل را نیز به همراه برد و بدین ترتیب از صرف هزینه‌های بیش‌تر خودداری کرد. در میان مردم نیز مصطلح است که سفر روح آدم را تازه می‌کند.

البته گاه رسانه‌های جمعی همچون تلویزیون با نشان دادن فضاهای دوردست ما را به سفر به اقصی نقاط عالم می‌برد. به قول مک لوهان که نظریه امتداد را مطرح می‌کند، تلویزیون امتداد چشم است. صدای رادیو، امتداد گوش است و لباس امتداد پوست. به هر حال گاه سفری از این نوع که می‌تواند مادی و معنوی نیز باشد، فراهم می‌گردد. اما این نوع سفر کافی نیست، زیرا در این سفر، آدمی منفعل است و نه فعال. سفرها گاهی به قصد لذت جسمانی انجام می‌شود و آدمی از شهری به شهر و دیار دیگری می‌رود که سفری مادی است و قصد خرید و دیدار از آن شهر را دارد. اما گاهی او به قصد زیارت خانه خدا سفر می‌کند و سختی‌های فراوان را به جان می‌خرد و از سرزنش‌ها نیز هراسناک نیست، به قولی:

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

و حاصل چنین سفری دست یافتن به تحولی معنوی است. جلال آل احمد پس از طواف کعبه، از تحولی که در درونش رخ داده بود چنین یاد می‌کند: در آن سیل خروشان جمعیت، خود را همچون خسی می‌دیدم که در این جریان خروشان در حال حرکت است و لذا نام کتاب خود را نیز "خسی در میقات" نهاد. پس در کنار سفرهای مادی سفرهای معنوی نیز لازم است و حاصل آن تعالی و تحولی درونی است.

مراد از سفر بیرونی آن است که از شهری به شهری سفر کنیم، اما گاه به سیر درونی می‌پردازیم. به عنوان مثال آن‌گاه که آدمی توبه می‌کند، هجرتی درونی از بدی‌ها به سوی نیکی‌ها دارد. پس تمامی سفرها همراه با تغییر و تنوع است و آدمی را دگرگون و متحول می‌سازد. با سفر چشم‌اندازهای متفاوتی را می‌بینیم که خستگی را از تن به درمی‌آورد، اما اگر پیوسته در خانه بنشینیم، زندگانی ما به سمت یک‌نواختی و بیماری سیر می‌کند. به‌طور خلاصه تلاش کنیم که مصداق این شعر سعدی نباشیم:

بگفت از پس چار دیوار خویش همه عمر ننهاده‌ام پای پیش



۱۰- تولید نسل یا قبول فرزندخوانده

نبودن فرزند در زندگی خانوادگی، زندگی را دست‌خوش یک‌نواختی و رکود می‌کند. بنابراین پس از اطمینان از سازگاری و ارزیابی امکان تداوم زندگی باید برای تولید نسل گام برداشت. زیرا به دنیا آمدن فرزندان تنوعات و دگرگونی‌های خاص خود را به همراه دارد. بی‌جهت نیست که در فرهنگ ایرانی ما، خانواده‌های بدون فرزند را "اجاق کور" نامیده‌اند. یعنی اجاق زندگی آن‌ها روشن نگردیده تا طعام خوشمزه‌ای (که کنایه از فرزند است) پدید آورد. اما باید در مقابل اشاره کرد که اگر ارزیابی از امکان تداوم زندگی مثبت نیست، نداشتن فرزند بهتر است و اگر قرار است که زندگانی با طلاق و جدایی همراه شود، چه بهتر که فرزندان وبال یکی از دو والد نباشد.

نکته دیگری که می‌توان از آن پیام دریافت این است که نباید خانواده بی‌فرزند بماند، بلکه می‌توان فرزند را به جمع خود بیفزاید که راه آن بهره گرفتن از فرزندخواندگی است. پیامبر (ص) می‌فرمود که یتیمان را به خانه خود ببرید و به سر سفره خود بنشانید. امروزه نیز غرب در مخالفت با شکل‌گیری پرورشگاه‌ها-که البته گاه به علت عدم قبول فرزندخوانده، وجود آن‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است- می‌گویند که برای نگهداری بهتر بچه‌ها، خوب است که آن‌ها در شبه‌خانواده قرار گیرند و احساس کنند که کسانی همچون پدر و مادر بر بالای سر آن‌ها حضور دارند.

پس اگر خانواده‌های بدون فرزند، کودک بی‌سرپرستی را به فرزندخواندگی خود بپذیرند، هم خود را از درد سر یک‌نواختی در خانواده رها کرده‌اند و هم کودکی را از مؤسسات جمعی نجات بخشیده‌اند، زیرا او نیز با زندگی در چنان فضاهایی به قول بالبی ۱۶ دچار محرومیت مؤسسه‌ای می‌گردد ۱۷ و مبتلا به منش بدون عاطفه ۱۸ می‌شود. به نظر او چنین کودکی چون از محبت کافی برخوردار نمی‌شود، نمی‌تواند مهربان باشد. اگرچه این امر نمی‌تواند همیشه مصداق داشته باشد، اما شواهد قابل ملاحظه‌ای بر صدق گفتار او دلالت دارد.

به‌هرحال وجود بچه در خانه نشاط‌آور و رشد او خود بیانگر تحولی پیوسته در خانه است. خنده‌های بچه سکوت را درهم می‌شکند، ناز کردن‌هایش والدین را به دنبال او می‌کشاند و خواست‌هایش والدین را به تکاپو وا می‌دارد. تمایلات کودک به نوازش کردن و بغل کردن، رکود و ایستایی والدین را بر طرف می‌کند و خنده‌هایش که نشانه رضایت اوست، برای والدین رضایت‌بخش می‌باشد. تکرار کلمه "دَد" شما را از خانه در می‌آورد و به سوی کوی و برزن می‌کشاند. با اسباب‌بازی‌هایش شما را به بازی فرا می‌خواند و با گفت‌وگوهای کودکانه خود اوقات شما را پر می‌کند و زندگانی در این خانواده، پویا، پرتحرک و بانشاط است و یک نواختی در چنین خانواده‌ای راه ندارد.

۱۱- افزودن مهر و محبت در خانه

خانه بی‌مهر لطف و صفایی ندارد و زندگی کردن در آن چندان معنایی نمی‌تواند داشته باشد. راستی مگر محبت کردن چقدر هزینه دارد و چه میزان زحمت دارد که از ابرازش دریغ می‌کنیم؟ کشیدن دستی از مهر به سر فرزندان و گفتاری صمیمانه با هسر مگر چقدر دشوار است که از آن پرهیز می‌نماییم؟ در خانه‌ای سرد و یخزده که به تعبیر یکی از جرم‌شناسان: "از این سردخانه‌ها فرزندان مجرم پا به عرصه حیات اجتماعی می‌نهند" و در





آن همه چیز منجمد است، چه جایی برای تحرک و پویایی وجود دارد که انسان‌ها را به حرکت درآورد یا آن‌ها را با تمدد اعصاب و تجدید قوا راهی بازار کار و تلاش نماید. اما گرمای محبت و ابراز عاطفه چون سیلی خروشان است و همه چیز را به حرکت در می‌آورد و خود موجب رشد عاطفی و روانی و نیز باعث رشد جسمانی می‌گردد. اگر اعضای خانواده از رشدی عاطفی و روانی برخوردار باشند، دیگر احساس رکود و خمودگی ندارند.

بیاییم در ایام باقی‌مانده عمر چه کوتاه باشد، چه بلند-درس مهر را خوب فرا بگیریم و به دیگران نیز خوب بیاموزیم، تا خانه رونق و صفایی تازه یابد. افرادی که این نیاز اساسی روانی در آن‌ها تأمین شده باشد، با شور و نشاط به وجد و جنبش در می‌آیند و عشق و معنا داشتن را به‌خوبی لمس می‌کنند، چرا که به قول فرانکل، آن چه زندگی را معنا می‌بخشد، عشق به دیگران است ۱۹ و خانواده مظهر تجلی عشق نسبت به همسر و فرزندان است. در خانواده‌ای که معنایی حاکم باشد، دیگر جایی برای رکود و یک‌نواختی نیست. خانمی می‌گفت: "همسر من شش ماه است که از دنیا رفته است. او به قدری مهربان بود که اکنون بعد از شش ماه هنوز نتوانسته‌ام مرگ او را باور کنم و ساعت‌ها کنار پنجره به انتظار بازگشت او می‌نشینم. دلم می‌خواهد برای یک بار هم که شده از راه برسد و من دوباره صدای کلیدی را که با آن در را باز می‌کرد، بشنوم. او می‌گفت: همسر من به قدری مهربان بود که هرگز او و مهربانی‌هایش را فراموش نمی‌کنم." پس درس مهر را به نحو احسن از کسی بیاموزیم که او دارای برترین اخلاق بود و خدای متعال در وصف که اسوه عالمیان است فرمود:

انک لعلی خلق عظیم

۲۰ یعنی ای پیامبر تو دارای خلق عظیمی هستی .

پس با تاسی به او با دیگران مهربانی کنیم و این توصیه او را به کار بندیم که فرمود: "اگر مردی به زن خود بگوید او را دوست دارد، این جمله هرگز از دل او بیرون نمی‌رود." یعنی باید دوستی را نسبت به همسر خود ابلاغ نماییم و قطعاً همسر نیز در برابر این پیام، پیامی جز محبت نخواهد داشت. همسر و فرزندان باید از همه مراتب محبت برخوردار گردند. یعنی در قلب خود آن‌ها را دوست بداریم، با زبان خود آن را اظهار کنیم و در عمل نیز کارهایی انجام بدهیم که گفتارمان را باور کنند. لذا گفته‌اند :

دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی

و آن‌جا که چنین عشق و دوستی معناداری حاکم است، جایی برای رکود و یک‌نواختی نیست.

۱۲- توجه به معنویات

امروزه شاهد سردرگمی انسان‌هایی هستیم که به معنویات پشت کرده و به مادیات دل بسته‌اند. اما گرایش فراوان به مادیات و داشتن بسیاری از مظاهر مادی آن‌ها را آرام نکرده و دست یافتن به پوچی و بی‌معنایی حاصل گرایش آن‌ها به مادیات بوده است. حال اگر خانواده نیز در این راستا سمت و سو گیرد، جز به پوچی نخواهد

رسید و پوچی و بی‌معنایی هم نتیجه‌ای جز رکود و یک‌نواختی نخواهد داشت آن‌گاه که زندگانی رنگی معنوی می‌گیرد و آدمی رنگ الهی خود را حفظ می‌کند، سراسر زندگانی او معنا می‌شود، زیرا او در همه‌جا خدای را به نظاره می‌نشیند. قرآن می‌فرماید:

فاینما تولو فثم وجه الله

"۲۱. یعنی هر جا را که نظاره کنید، خدای را می‌بینید. باباطاهر نیز گفته است:

به دریا بنگرم دریا ته بینم به صحرا بنگرم صحرا ته بینم
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا ته بینم

پس آن‌ها که ایمان آورده‌اند، حبّ شدیدی نسبت به خدا دارند. قرآن می‌فرماید:

و الذین امنوا اشدّ حبا لله

"۲۲. و در خانواده‌ای که قلب

اعضای آن مالا مال از عشق به خالق است، کجا بی‌معنایی و رکود و یک‌نواختی راه می‌یابد؟ به قول فرانکل آن‌چه به زندگی آدمی معنا می‌دهد درک ارزش روحی یا عشق به یک آرمان است ۲۳ و چون مثال می‌زند، از عشق به خالق به عنوان مصداقی برای عشق به یک آرمان نام می‌برد.

در پرتو معنویات حیات آدمی تازگی و طراوت می‌یابد، چنان‌که تلاوت قرآن موجب تازگی قلب‌ها می‌شود. پیامبر (ص) فرمود: "قرآن بهار دل‌هاست". پس دل‌هایی که از قرآن دور می‌شود، رنگ خزان می‌گیرد و بهار است که فصل رویدن شکوفه‌ها و پیدایی گل‌هاست و طبیعت بی‌جان را جانی تازه می‌بخشد. با تلاوت مداوم قرآن می‌توان هر لحظه جانی تازه گرفت و حیاتی نوین را رقم زد. زیرا با تأمل درباره آیات قرآن دریافته‌های تازه‌ای حاصل می‌گردد. لذا گفته‌اند:

هر دم از این باغ بری می‌رسد تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد

هر نمازی که آدمی می‌خواند به درجه‌ای بالاتر می‌رسد و اوج می‌گیرد. لذا پیامبر (ص) فرمود: "الصلوة معراج المؤمن". نماز معراج مؤمن است. آیا کسی که توان اوج گرفتن دارد، می‌تواند رفتار زندگانی را کد و یک‌نواخت باشد؟ لذا سعدی در امکان اوج گرفتن آدمی می‌گوید:

**رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت
طیران مرغ دیدی تو ز پایبند شهوت به در آی تا ببینی طیران آدمیت**

پس بیاییم در پرتو نورانیت قرآن و انجام عبادت‌ها به جهانی دیگرگون و تازه دست یابیم و با اطاعت خداوند





بی‌همتا همیشه زندگانی را با تازگی و طراوت رقم زنیم و در فضای خانواده همه با همدیگر برای نوآوری و دگرگونی گام برداریم تا مصداق خوبی برای سروده زیر باشیم :

بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سخت به کشفیم و طرحی نو در اندازیم

پی‌نوشت‌ها:

۱- روان‌شناسی مرضی تحولی، ۱/۳۴۳

(2)- NARCISSISM

۳- روان‌شناسی نابهنجار و زندگی نوین، صفحه ۲۶۱

۴- همان، صفحه ۲۶۲

(5)- FLOODING

(6)- THOUGHTSTOPPING

(7)- SATIR

۸- روان‌شناسی ژنتیک، ۲/۱۳۹

۹- مراحل تربیتی

(10)- LINKTOSOCITEY

(11)- NATURALKILLERCELLS

(12)- FAMILYHEALING

۱۳- روان‌درمانی خانواده، صفحه ۱۲

۱۴- همان

۱۵- سوره آل عمران، آیه ۱۳۷

۱۶- بالبی از اندلوژیست‌هاست و رفتارشناسی انسانی را مورد مطالعه قرار داده است.

۱۷- پیش‌گامان روان‌شناسی رشد، صفحه ۵۵

(18)- AFFECTIONLESS CHARACTER

۱۹-سوره بقره، آیه ۱۱۵

۲۰-سوره بقره، آیه ۱۶۵(۲۱)-همان



آموزش خلاق کودک محور

منبع: مجله پیوند، آبان ۱۳۸۰، شماره ۲۶۵



مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، نهادی غیردولتی و ناسودبر است. این نهاد در سال ۱۳۷۹ از سوی پژوهشگرانی که در حوزه ادبیات کودکان فعال بودند، پایه گذاشته شد و اکنون با بیش از ده سال پیشینه از فعالیت های گسترده، در سطح ملی و بین المللی به کار خود ادامه می دهد.

دفتر این مؤسسه در تهران است و شیوه همکاری با این نهاد به دو شکل کار رسمی و داوطلبانه است. مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان هزینه های سازمانی خود را از راه کمک های مردمی و اجرای پروژه های فرهنگی و انتشاراتی به دست می آورد. چنانچه مؤسسه درآمدی داشته باشد، این درآمد را در راه گسترش هدف های خود هزینه می کند.

پیوندگاه:

koodaki.org	مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان	کودکی
iranak.org	ایران کودکی	ایرانک
ketabak.org	پنجره ای به جهان خواندن	کتابک
amoozak.org	آموزش خلاق کودک محور	آموزک
khanak.org	با من بخوان	خوانک
rootak.org	پایگاه ارتباط فرهنگی کودک و نوجوان	روتک
dabire.org	درست بیاموز، تا درست بنویسی	دبیره
koodakar.org	سندوق آموزش و توانمند سازی کودکان کار و محروم	
hodhod.com	گزید هترین کتاب های کودک و نوجوان	کتاب هدهد